
حوادث در جاده عشق

نویسنده: احمد قربانی



سر شناسه

عنوان و نام پدیدآور : قربانی، احمد، ۱۳۴۰ -

حوادث در جاده عشق/ احمد قربانی.

مشخصات نشر: تهران: فرقلم، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک: ۱۲۰۰۰۰ ریال ۹-۱-۹۴۶۵۴-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

بندی کنگره: ۱۳۹۶ ح ۹/۲ / PIR۸۳۵۷

ردیف دیوبی: ۶۲/۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۵۲۳۷۲

فرقلم

انتشارات فرقلم

عنوان: حوادث در جاده عشق

نویسنده: احمد قربانی

ناشر: انتشارات فرقلم

طرح جلد: ساناز فلاحتی

صفحه آرای: بهاره انوری

لتیوگرافی و چاپ: سازمان چاپ طهرانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه - قیمت ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۵۴-۹-۱

مقدمه نه‌یسنده

بی‌گمان که زندگی را می‌توان یافت که به معنای واژه عشق، چگونگی پیدایش، روستا، کنایه، مدنیت با آن و... حداقل در خلوت خود نیاندیشیده باشد. در این میان هر کس به اندازه دانش، دامنه معلومات و میزان تجربه ای که در این وادی داشته است، نفعی خاص از این واژه ارائه می‌کند. برخی بکلی منکر آن هستند و برخی زندگی بدون آن را هیچ می‌پندارند. هر دو گروه، هیچ دلیل محکم و قابل فهم و کجای برای دیگران ارائه نکرده‌اند و شاید هم امکان آن نبوده است.

در روزگار انسان‌های محاسبه‌گر و خردنگر و دایمی که بسیاری از امور به کمیت درآمده و بدون عدد و رقم هرچه بگویند پندارهایی جز، «نهایت احترام به شما، این عقیده شما است، اگر چه آن را قبول ندارم ولی محترم است، این فکر حامل تجربه شما است و باید آنرا تجربه کنیم، خواهی شنید، در چنین فضایی چگونه می‌توان به واژه عشق پرداخت و در مورد آن صحبت کرد؟

واژه عشق تجربه ای کاملاً درونی و خارج از عالم ماده است و هیچ نمای بیرونی و ملموسی (جز حالات، احساسات و اعمال عاشاق واقعی) ندارد. در نتیجه بحث علمی در مورد این واژه تقریباً غیر ممکن است. در فرهنگ لغات واژه عشق را اینگونه تعریف کرده‌اند: عشق عبارت است از وابستگی عاطفی شدید به کسی یا چیزی. ولی از این واژه، تفسیر و تعبیرهای مختلفی شده

است.

واژه عشق امروزه به علاقه شدید دختر و پسری که می خواهند زندگی مشترکی تشکیل دهند اطلاق می شود. از طرفی، مفهوم این واژه نزد عارفان بزرگی چون مولانا و حافظ با مفهوم امروزی آن بسیار تفاوت داشته است. این تفاوت بقدری بزرگ و فاحش است که مقایسه عاشقان امروزی با عارفان قدیم امکان پذیر نیست. از طرف دیگر تعبیرهای عاشقانه امروزی فاقد خصوصیات شعر عارفانه و عاشقانه دنیای قدیم است. اشعار و تعبیرهای عاشقانه، عارفان را نمی توان با احساسات دیگران مقایسه و به تبع آن، فرهنگ و تمدن ایران زمین را انکار کرد. آن تعبیرها بگونه ای است که حتی نمی توان آنرا در جای دیگر بدر بر یا آنرا بگونه ای تئوریزه کرد.

در ده قرن گذشته، متون عشقی و عرفانی زبان فارسی، با کلمه عشق و عاشقی، آمیخته شده است. این متون آنقدر جذاب و دلنشین است که من تاکنون بارها بر خود پرسیده ام، آیا قویترین مخترعان و اندیشمندان امروزی، می تواند یکی از اطاعات مثنوی، مولانا و یا دیوان حافظ را ابداع نمایند؟ بلافاصله چنین فکری شنبه ایم. «نه نمی توانند!» راستی چرا؟ تنها جوابی که برای خود یسه «حسین بوده است که هر پدیده زمان خاص و بطور کلی فضای اجتماعی و فرهنگی خاص خود را می خواهد.

در این کتاب واژه عشق، به مفهوم امروزی آن اشاره دارد. با پذیرش این مفهوم، واژه عشق در حوزه علوم اجتماعی روانشناسی قرار می گیرد. چون لازمه زندگی مشترک، تشکیل خانواده و تداوم آن با رابطه عاطفی قوی بین زن و مرد امکان پذیر است. این علوم سعی دارند با بررسی علمی موانع تشکیل و استحکام خانواده ها را بر طرف تا زمینه پیشرفت و توسعه جوامع بشری را ممکن سازند. در نتیجه آنها با ارائه یک معنی خاص از واژه عشق به حل مشکلات مردم می پردازند.

برای تداوم تمدن بشری، الزاماً باید انسانهایی که وارد فضای عشق شده اند را بطرف تشکیل زندگی هدایت نمود. تا آنها زندگی سرشار از محبت، گذشت و فداکاری را شروع کنند. یا به عبارت دیگر عشق را در خدمت زندگی قرار دهند.

ولی گاهی حوادث تلخی رخ می دهد، که این حادثه از علاقه زیاد بین دختر و پسری که هنوز زندگی مشترکشان را آغاز نکرده اند، نشأت گرفته است. مانند حوادثی که هر روزه در روزنامه ها و مجله ها کراراً به چشم می خورد: پسری به صورت دختر مورد علاقه اش اسید می پاشد. دختری چون پسر مورد علاقه اش جواب رد به او داده، اسلحه تهیه می کند و او را به قتل می رساند و...

آیا پرسیده اید محرک این جنایات چیست و برای مقابله با آن چه باید کرد؟ شاید خیلی ها پاسخ می دهند، محرک این جنایات هم عشق بین دو نفر است. هر چند این سخن را نمی توان رد کرد، ولی مفهوم عشق در این فضا، با فضای استحکام خانواده و عرفان قدیم تفاوت بسیار زیادی دارد. در آن دو فضا جرمی اتفاق نمی افتد.

برای کاهش مقاله با این حوادث جوامع بشری، مراکزی به عنوان مشاوره خانواده، مشاوره زندگی و غیره تأسیس کرده اند. تا متخصصین در این مراکز به کمک افراد عاشق به سبب و آنها نیز عشق خود را به زندگی بدل کنند. یا به عبارت دیگر جلوی اینگونه حوادث گرفته شود.

ولی متأسفانه عموم مردم از این مراکز اطلاع چندانی ندارند. لذا زمانی که به وادی مقدس عشق وارد می شوند، بجای مساعی زندگی شیرین، حوادث تلخی را تجربه می کنند.

وقوع چنین اتفاقاتی به صورت مکرر، در طول سالها مختلف مرا بر آن داشت تا مبادرت به نوشتن داستانی نه چندان واقعی، اما حاشیه ای به نمایش. شاید خوانندگان این کتاب، نحوه برخورد، با فرد عاشق را بیاموزند. در عین حال، هم به جای ایجاد حوادث تلخ، به نحوه کمک گرفتن از افراد ذی صلاح و حضور در جلسات مشاوره آشنا شوند.

به امید روزی که شاهد حوادث تلخ ناشی از مسائل عشق و عاشقی نباشیم. این کتاب حضورتان تقدیم می گردد.